

۱۵۷۵۵۹۷
۲۶

گفت و گوی

دوراس / گدار

گردآوری: سیریل بگن

ترجمه: قاسم روبین



نشر مرکز

Duras/Godard
Dialogues

Introduction, notes et postface de Cyril Béghin

گفت‌وگوی دوراس و گدار

گردآوری: سیریل بگن

ترجمه: قاسم روبین

حروف‌چینی، نمونه‌خوانی، صفحه‌آرایی: نشر مرکز

طرح جلد: ابراهیم حقیقی

چاپ اول ۱۳۹۷، شماره نشر ۱۳۶۴، ۱۲۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۱۳-۳۷۶-۵

نشر مرکز: تهران، خیابان دکتر فاطمی، روبه‌روی هتل لاله، چایان بیابان، شماره ۸

تلفن: ۳-۸۸۹۷۰۴۶۲ فاکس: ۸۸۹۶۵۱۶۹

Email: info@shr-e-markaz.com

www.shr-e-markaz.com

همه حقوق چاپ و نشر این ترجمه برای نشر مرکز محفوظ است. تکثیر، انتشار و بازنویسی این اثر یا قسمتی از آن به هر شیوه از جمله فتوحی، الکترونیک ضبط و ذخیره در سیستم‌های بازیابی و پخش بدون دریافت مجوز قبلی و کتبی از نشر مرکز ممنوع است. این اثر تحت حمایت «قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان ایران» قرار دارد.

♦ ♦ ♦
• سرشناسه بگن، سیریل، ۱۹۷۳ - م. Béghin, Cyril. «عنوان و نام پدیدآور گفت‌وگوی دوراس / گدار، گردآوری سیریل بگن، ترجمه قاسم روبین» مشخصات ظاهری شن، ۱۴۶ ص. • یادداشت عنوان به انگلیسی Duras/ Godard dialogues
• موضوع دوراس، مارگریت، ۱۹۱۴ - ۱۹۹۶م. -- مصاحبه‌ها، گدار، ژان-لوک، ۱۹۳۰ - م. -- مصاحبه‌ها، نویسندگان فرانسوی -- قرن ۲۰م. -- مصاحبه‌ها • شناسه‌ی افزوده روبین، قاسم، ۱۳۲۳ - م. مترجم • رده‌بندی کنگره ۱۳۹۶ PQ۲۶۱۵/۹۴۴ • رده‌بندی دیویی ۸۴۳/۹۱۲ • شماره‌ی کتاب‌شناسی ملی ۵۰۶۳۶۶۰

فهرست

۱	پیش گفتار
۵	گفت و گوی ۱۹۷۹
۴۱	گفت و گوی ۱۹۸۰
۶۷	گفت و گوی ۱۹۸۷
۱۲۳	مؤخره: نرم / سخت
۱۴۱	پیوست

پیش‌گفتار

سه‌گفت‌و‌گویی این کتاب، بین گدار و دوراس، طی سه مرحله صورت گرفته: گفت‌و‌گویی اول در سپتامبر ۱۹۷۹، در همان ایامی که گدار مشغول ساختن فیلم *نجات (زندگی)* بود، گفت‌و‌گویی دوم در سپتامبر و اکتبر ۱۹۸۰، و گفت‌و‌گویی سوم در دسامبر ۱۹۸۷ (برای برنامه تلویزیونی *اسه نیکه*)، موضوع گفت‌و‌گو هم مشخصاً بر حول نویسنده - فیلمساز / نویسندگی - و آشنایی است. گدار در جایی (در سال ۱۹۹۷)^۱ گفته است که بعد از سال‌ها آشنایی، تازه طی همین دو - سه سال اخیر پی برده است که دوراس آدم مهمی است - عبارت یاد بر غنای فیلم دو - سه چیزی که از آن زن می‌دانم (گدار، ۱۹۶۷) است. طی سال‌ها در برخوردی دو - سه چیزی بین گدار و دوراس رد و بدل شده است، همراه با تأملاتی - باب سینما و نوشتن، از جمله در دیدارهای ۱۹۸۰ (قسمت دوم کتاب حاضر) دوراس از کتاب *حُسمان* سبزی می‌گوید و گدار از درآمدی بر تاریخ واقعی سینما، مطالب این دو کتاب عملاً پیرامون مقوله بازنمایی - و امر بازنمایی‌ناپذیر - دور می‌زند، که دامنه‌اش کشیده می‌شود به اردوگاه‌های نازی، ایام کودکی، تلویزیون، و مباحثی پرشور پیرامون حرفه‌شان، البته گاهی با بیانی احساساتی یا عباراتی منقطع و تودرتو و گاهی با لحن سرد کنایه‌آمیز، ولی همیشه متکی به عقیده‌ای که سوق‌شان داده است به مسیر تاریخ، همراه با ارجاعاتی (در بخش اول) به موسی، روسو، فاکتر، سارتر و دیگران.

خاستگاه رویارویی‌شان عیان است: دوراس نویسنده فیلم هم می‌سازد، گذار فیلمساز هم از همان اولین فیلم‌هایش آشکارا با ادبیات و کلام و نوشتار درگیر بوده، بنابراین مصداق‌ها آشناست: در بین فیلمسازها، گذار بیشتر از بقیه به نوشتن گرایش دارد؛ پای نوشتن که به میان بیاید همه چیز پس رانده می‌شود.^۱ در فیلمسازی می‌کوشد تا تسلیم تصویر نشود، در ترکیب متن - تصویر، حضور و توانایی‌های متن عمدتاً غالب است بر تصویر، وجه تصویرپردازی در نماها به حداقل رسیده، اعمال و حرکات ظریف و حداقلی‌اند، و البته غیرتسلسلی، به همین دلیل فاصله بین صدا و نما - تأکید همیشه دوراس - نمود بیشتری پیدا می‌کند، تصویرها اغلب «الی» و «رهوتی»^۲ و گاهی پیاپی و به روالی مکرر^۳، و در مواردی در غیاب تصویر (تصویر سالم) همراه با صدای خارج از کادر، از جمله در فیلم *مرد آتلانتیک* - ۱۹۸۱. برای دوراس، تصویر کاملاً آماده است برای پذیرفتن متن و فحوای متن؛ اینجاست که جلالت دوراس معنای واقعی پیدا می‌کند: «در تصویر می‌شود نوشت، در حد کمال، تمام فضاهای تصویر به قالب نوشته درمی‌آید، صدبرابر گسترده‌تر از فضای کتاب».

گذار در پی این است که به‌صورتی می‌توان به درستی تصویر را با کلام پیوند داد، یا مثلاً نام و عنوان و حضور را از چیزها جدا کرد، و عیناً نام و لقب را از آدم و نیز تأثیر فیلمنامه را از فیلم.

در فیلم *شور* (گذار، ۱۹۸۲) یکی از پر-صوت‌ها می‌گوید: «آدم چیزی را که قرار است بنویسد، از پیش باید ببیند»، و نه برعکس. و در *«دشواری اما در دیدن چیزها پیش از سخن گفتن از آنهاست»*. در تأکید همین نکته است که گذار تصویر را با کلمات می‌پوشاند: تلفیقی از کلمات و موسیقی و اصوات، چون جحان هر یک بر دیگری، تبدیل کلمات (قصار یا نقل قول) به ماده‌ای مرمی به قصد تداوم با ایجاد گسست و وقفه یا حتی شکل‌زدایی. *وداع با زبان* عنوان آخرین فیلم گذار (ساخته ۲۰۱۴) است؛ اما با توجه به آنچه در فیلم می‌گذرد می‌شود گفت که کلمه

۱. بین تصاویر - ۲، ریمون بلور، انتشارات P.O.L، پاریس.

۲. این روال مکرر - متمایز از تکرار - را کریستیان بلولابار کثرتی می‌نامد، که بیش‌و کم همان سیاق آشنا در او را دورانی است.

وداع در اینجا معنای رایج خود را ندارد بلکه به مفهوم مستحیل شدن پیکرها در ماده تصویر است؛ این مستحیل شدن در عین حال موضوع مکالماتی است بین فرشته‌های فیلم کوتاه ویدیویی *توان کلام*: «کلام، هر کلامی، آیا حرکتی است پدید آمده در هوا؟» فیلم *توان کلام* (گذار، ۱۹۸۸) موضوع آخرین گفت‌وگو با دوراس هم در این کتاب همین است و می‌شود آن را مؤخره‌ای بر این کتاب دانست. تدوین صحنه‌های پایانی این فیلم مثل فوران پرخروش آتش‌فشان، آهنگ پرشتابی دارد، و روی این تصاویر صدای باب دیلن و لئونارد کوهن با قطعاتی از اشتراوس و بتهوون و راول تقطیع شده است. تصاویر آب و آتش با صداها و نواها و سازها درهم می‌آمیزند، منظری بدیع و بی‌سابقه. حال ناگوار — یادآور صحنه آخر فیلم *زن گفت که خراب اولی* (ساختن دوراس، ۱۹۶۹) است: بعد از مکالمه‌ای طولانی صدای فوگی از باخ را می‌شنویم، در میخانه صدای بمباران، روی تصاویری از فضای آرام جنگل و اشباحی بی حرکت.

در گفت‌وگوی سه‌گانه گذار دوراس در این کتاب، علاوه بر تبعات ادبی — سینمایی، به تأثیرپذیری‌های متقابل هم اشاره می‌شود. در اوایل دهه ۸۰، بعد از یک دهه فیلم‌سازی سیاسی و تجربه ویدئو — در — از چرخه رسمی تولید، گذار دوباره به ساختن فیلم‌هایی می‌پردازد که برای بیشتر دیده شدن تولید می‌شوند، و این همان دوره موسوم به «تولد دوباره» است.^۱ دوراس هم در حال بدل‌ها از سبک نوشتن ده سال پیش خود تا حدودی فاصله می‌گیرد و سبکی متفاوت با رسیال فیلمنامه‌ای پیشه می‌کند. توفیق ادبی *رمان عاشق* (۱۹۸۴) همزمان است با درآیندن حاشیه‌ها از فعالیت سینمایی — فیلم *بچه‌ها* (۱۹۸۵) را در اواخر همین دوره ساخته. در همین دوره تحولات، دیدارها متمرکز می‌شود به نوشتن و فیلم ساختن. گذار از آرزوهای است رفتن نویسنده شدن می‌گوید، دوراس از سینما می‌گوید، رودروی «بزرگترین کنشگر برای رهایی سینمای جهانی»^۲ از قید و بندهای کهنه. گذار را خلاق‌ترین فیلمساز می‌داند، و حاضر نیست برای خیلی از نامداران هورا بکشد. البته نه گذار و نه دوراس، طی گفت‌وگوهاشان، از فیلمسازی که در عرصه کلام/تصویر دغدغه

۱. ژان لوک گذار از زبان ژان لوک گذار، انتشارات اتوال، ۱۹۸۵.

۲. دوراس، چشمان سبز، ۱۹۸۰.

بیش و کم مشابهی دارند نام نمی‌برند، جز اشاره کوتاه و گذرای گذار به ژان اُستاش و گارل (در گفت‌وگوی ۱۹۸۷) اما از ژان ماری اشتروب و دانیل هوئیۀ یا شانِتاَل آکرمن و هانس یونگر سیبربرگ یاد نمی‌کنند — و این پیش از آن که واکنشی باشد به اسلوب زیبایی‌شناسانه، نشانه نادیده گرفتن منزلت اینان است. بسیاری از فیلمسازانی که در دوره‌ای بر تفکیک و ناهمزمانی تصویر و صدا تأکید داشتند و آثار ماندگاری در این زمینه خلق کردند حالا تلقی دیگری دارند، تنها گذار و اشتروب کماکان این راه را به جد تا به امروز ادامه داده‌اند. نکته آخر این که دلیل انتشار گفت‌وگوی دوراس و گذار رویکرد مخاطبان جدید به آثار این دو هنرمند است.

سیریل بگن